

وإذا عرفت هذا فالمرجع في الكشف عن حال الشيء إلى النقل وتنبه  
مواد الاستعمال وعلى هذا التفسير فالقول بان الشيء هو الموجود هو  
الحق لان الموجود ماله مرجع إلى النقل وتنبه مواد الأعمال في العقل  
والقول بانها هو المعدوم ليس بحق لان المعدوم ما ليس له شيء من  
هذين وهو في الحقيقة زعمي بلاطفي كما فهمت بعض الاحكامية وفي  
دعاء الاحياء للاموات او صدقتهم اي صدقة الاحياء عنهم  
اي عن الاموات نفع لهم اي للاموات قال الشيخ عبدالحق الطبري  
قدس سره در فتاوى نوشته است و في دعاء الاحياء للاموات و صدقتهم  
عنهم نفع لهم و دعاء و طلب تثبت غير تلقين ميت است که بعد از دفن کنند  
و مستحب آن است که بجز نذر و بسياری از شافعی و بعضی از حنفیه  
و حدیث از اجداد ما در فضیله آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم  
فرمود چون بمیرد یکدیگر را در آن شما و دفن کنید آنرا و ریختن بر وی  
خاک بایکد با ستم مردی از شما نزدی سبوی و بگوید یا فلان بین فلان  
و وی یعنی میت هستند و آنرا و کتب جواب نمیدهد بهتر بگوید یا فلان  
بین فلان نیز این بار بشنود بر می نشیند در قبر بستر بگوید یا فلان  
این فلان در بین نوبت گوید ارشاد کن مرا رحمت کند فرای تو ای فلان  
و کتب شریفیست بگوید یا کون ای فلان آن کلام که بر آید  
تو بر آن از دنیا شهادت ان لاله الا الله محمد رسول الله وان محمد عبده  
و رسوله

تست  
رسوله و آنکه در اخبار شده که خدا بر او و کار تست و محمد پیغمبر است و الام  
و زمان امام نسبت چون گفت او را میگوید و یکدیگر از منکر و نیکوست و یکدیگر را میگوید  
بیرون آید از پیش این بنده چه کار داریم ما بادی اکنون حقیقت است  
تلقین کرد او را رحمت او را مردی گفت که یا رسول الله اگر نام ما در میت  
نماند چگونه و به که نسبت کنیم او را فرمود نسبت کن بجو که ما در میت است  
و فرمود او را سوخته بقره تا مفلح کن و اخر از من رسول نیز آمده است و اگر فرم  
قرآن کند او را و افضل و از بعضی علماء شنیده شده است که اگر مستمک از ستم  
فقه ذکر کند نیز فضیلت دارد و باعث نزول رحمت است و مناسب حال ذکر  
مستمک از نظر است و مختار است که خواندن بر سر قبر مکرر است خلافا  
لبعضهم که اقا شیخ ابوالهمام انصاری حاکم الان شیخ عبدالحق را خلافا لمعظم  
تسکبان القضاة و اصل القضاة الفصل تمام الامر رم لا يتبدل واجب  
بان عدم تبدل القضاة و بالنسبة الى الاموات لا ينافي نفع دعاء الاحياء لهم  
فان ذلك النفع بالدعاء يجوز ان يكون بالقضاة و ان توفيق الاحياء و الدعاء  
يجوز ان يكون بكتبتهم خلافاً الدنيا يستحق مثل ذلك الجزاء فيكون مجزياً  
بجمله بالافرة و باوردی و ایضا تسک المعترلة مرد و بقوله تعالى و صل  
علیهم ان صلاتکم لیکن لهم و بان کل نفس مرهونة بحیثیة ما کتبت  
تو له تعالى و کل نفس بما کسبت رزقین و المراد مجزی بقوله لا یعمل غیره علیها